

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

انجیز محمد هاشم رائق
۱۳ فبروری ۲۰۲۲

باز هم رود هلمند و اختلافات دوبرادر همکیش و همزبان

(ایران و افغانستان)



وزارت انرژی و آب حکومت طالبان می‌گوید که آنان بر تطبیق معاهده سال ۱۳۵۱ خورشیدی میان افغانستان و ایران در مورد حقایق آن کشور از دریای هلمند (هیرمند) موافقت کامل دارند.

متأسفانه از سالهای ۱۳۴۹ به اینطرف در افغانستان وقایع ناهنجار سیاسی و تحولات اجتماعی پی در پی واقع گردید که هر کدام آن سیستم دولت داری و طرز حکومت های متفاوت از همدیگر روی کار آمد که در هر دوره موضوع آب هلمند زبازند مطبوعات و شبکه های اجتماعی و صحبت ها در بازدید دولتمردان هر دو کشور می گشت. تا جایی که به سوابق موضوع دقت می شود و مورد غور و توجه قرار می گیرد به صورت مختصر بر می آید که راجع به تعیین حقایق دریای هلمند بین هر دو کشور قراردادی در سال ۱۳۵۱ عقد شد که مقدار آب طرفین در آن تعیین گردید.

سوابق و اسناد گوا ه بر آنست که دولت افغانستان در هر دوره حکومت های مختلف پایبند و متعهد به آن قرارداد بوده و آن را یک سند معتبر دانسته از آن هیچ خلاف عمل نکرده است.

برای روشن ساختن موضوع بهتر است اندکی به عقب برگردیم و به سوابق نظر ببندیم:

هلمند درلسان دری قدیم به معنی آب فراوان می باشد. دریا های حوزه آبی هلمند که منبع آب را برای اراضی ۴۳٪ که در حدود نصف ساحه کشور را تأمین می نماید برای افغانستان از اهمیت خاصی برخوردار است اکثریت رود خانه های غرب افغانستان از قبیل رود ادرسکن، فرارود، رود خاسپاس و خاشرود به شمول دریای هلمند به جهیل هامون ها می ریزند. دریای هلمند که از دریا های بزرگ و پر آب آسیا به شمار می رود و سالانه در حدود (۶۰۰۰) مترمکعب آب در آن جریان دارد این دریا از بلندی های کوه بابا در ۴۱ کیلو متری غرب کابل از رشته کوه های هندوکش و بابا در افغانستان سرچشمه می گیرد و پس از طی مسافت ۱۱۵۰ کیلومتری در داخل افغانستان به جهیل هامون می ریزد کاوشهای باستان شناسی که در تپه "مون دیگک" در ۶۱ کیلومتری شمال غرب قندهار صورت گرفته آثار مدنیت قبل از پنجهزار سال پیش را در وادی هلمند و ارغنداب نشان می دهد. تحقیقات باستان شناسی حاکی از آن است که ساحه زرخیز سیستان تاریخی در ادوار گذشته تاریخ این کشوریکی از حاصلخیزترین مناطق به شمار می رفت و به نام کنودی دنیای وقت خویش محسوب می گردید این خطه مهد پرورش قهرمانان بزرگ این سرزمین می باشد، خاک سیستان نسبت رسوبات دریای هلمند و دیگر دریا هائی که به هامون ها می ریزند خیلی حاصلخیز می باشد زراعت و آبیاری از ازمه های باستان درین منطقه به میان آمده اما نسبت سیلاب های مدحش اراضی و دهنه جات تخریب می گردید تا این که زمامداران محلی اقدام به حفر کانال های آبیاری به فواصل دورتر از بستر دریا و انتقال آب به آنها مبادرت ورزیدند آثار تاریخی کانال های (زورکن و زرکن) در ولایت نیمروز شاهد این مدعا است. طوری که از نامهای این دونهربزرگ هویدا ست کانال اولی با زورسرنیزه توسط امرای وقت حفر گردیده (با زورحفر گردیده) تا جهت معشیت سپاه، زمامداران و اهالی منطقه مایحتاج اولیه تهیه گردد و بعد از مرور سالیانی که مردم از حاصل اراضی تحت زراعت متمول گردیدند نهر دومی را با پرداخت اجوره و دستمزد احداث می نمایند یعنی با پرداخت زرکنده شده. اراضی تحت آبیاری این نهرها هزاران هکتار زمین زراعتی را در بر می گرفت و محصولات زراعتی آن به اکناف و اطراف منطقه ارسال می گردید که یکی از معمورترین شهرها توصیف می کنند به مرور زمان سیستم های آبیاری سربند ها و بند آبی آبیاری به اثر جنگها، اهالی زراعت پیشه ترک دیار نموده اند و از اثر عدم حفظ و مراقبت، سربند ها از بین رفته سیستم های آبیاری توسط ریگ های روان و متحرک و سیلاب های مدحش دریای هلمند تخریب گردیده و بستر دریا از سطح کانالها پائین افتیده که ساختن و اعمار مجدد آنها از قدرت و توان مردم بالا بود ناچار ترک قریه و دیار نمودند و به مناطق همجوار مهاجر شدند.

اراضی تحت این کانال ها به صوت کل جزلاینفک کشور افغانستان بود تا این که نسبت تعیین (مرز) سرحد بین دوکشور اختلافات تبارز نمود. و کمیسونی برای تعیین سرحد تحمیلی برای افغانستان از طرف انگلیس هاموظف گردید که در رأس آن میجر جنرال فریردریک جان گولد سمت قرارداد داشت (General Sir Frederic Frederic John Goldsmid) وی فیصله به عمل آورد که اراضی جناح غرب دریای هلمند درین ساحه متعلق به ایران و اراضی جناح شرق متعلق به افغانستان باشد این فیصله نا منصفانه یک قسمت از خاک افغانستان را جدا کرده به ایران سپرده شد این فیصله که در سال ۱۸۷۲ صادر شد اما در قسمت حق آبه در آن زمان تصمیمی صورت نگرفتند و مناقشات درباره حق آبه تا سال ۱۸۹۶ بالا گرفت در سال ۱۹۰۳ دوباره به حکمیت ا،وکر نیل هنری ماکماهون کرنیل Colonel Henry McMahon انگلیس مراجعه شد.

تعیین شدنا در مورد حکمیت کند به اساس فیصله وی دوبرسه قسمت مقدار دریای آب دریای هلمند در سرحد برای افغانستان و یک برسه حصه آن برای سیستان ایران پیشنهاد گردید اما از طرف دولت افغانستان منظور نگردید و معضله لاینحل باقی ماند، اختلاف بالای حقایق بین دولتین ادامه پیدا کرد. در طول سال های متمادی مانند سال ۱۹۳۹-۱۹۴۹ و ۱۹۳۰ توسط هیأت مختلف مذاکرات و تلاشهای روی موضوع صورت گرفت اما موافقه کلی به دست نیامد بالاخره

دولتین افغانستان و ایران جهت رفع دایمی کلیه اسباب اختلاف در مورد آب دریای هلمند و به منظور حفظ روابط حسنه تصمیم گرفتند تا معاهده استفاده از آب هلمند را نهائی سازند روی این ملحوظ کمیته از هر دو طرف تعیین گردید تاروی مواد این معاهده کار نمایند از طرف افغانستان کمیته تحت ریاست مرحوم موسی شفیق صدراعظم افغانستان و از طرف دولت ایران کمیته ای به ریاست امیرعباس هویدا صدراعظم دولت ایران تعیین گردیدند ، بعد از مذاکرات و کارهای زیاد روی موضوع بالاخره با در نظر داشت همجواری و منافع مشترک هر دو طرف مذکور نهائی و آماده امضاء گردید. نا گفته نماند که گروهی از انجینران پروژه هلمند تحت نظر انجینر میرمحمد اکبررضا رئیس عمومی و والی ولایت هلمند که از انجینران ورزیده و با تحصیلات عالی درین رشته بودند در بخش تخنیکی تهیه ارقام و تحلیل مسایل هایدرالوجیکی فعالیت می کردند.

بالاخره معاهده مذکور بین افغانستان و ایران توسط موسی شفیق صدراعظم افغانستان و امیرعباس هویدا صدراعظم ایران در تاریخ ۲۲ حوت سال ۱۳۵۱ مطابق ۱۲ مارچ ۱۹۷۳ به امضاء رسید و توشیح دولتین ایران و افغانستان قرار گرفت و بین اساس قانون منعقد راجع به آب رود هلمند در سال نورمل و مافوق نورمل آبی که به دولت ایران داده شود به طور اوسط ۲۲ متر مکعب در ثانیه تعیین گردید و ۴ متر مکعب در ثانیه منحیث حسن نیت و علائق برادرانه از طرف افغانستان به ایران به گونه اضافه تحویل داده شود که مجموعاً ۲۶ متر مکعب در ثانیه حقابه ایران از رود هلمند می شود . قرار ماده اول جز (ج) این معاهده سال نورمل عبارت از سالی است که مجموع جریان آب از اول ماه اکتوبر الی ختم ماه سپتمبر سال مابعد در دستگاه اندازه گیری آب در منطقه (دهراود) ولایت اروزگان روی دریای هلمند بالاتر از موقعیت بند کجکی مقدار جریان آب (۵۶۶۱) میلیون متر مکعب اندازه گیری و محاسبه شده باشد

در ماده پنجم معاهده گفته شده افغانستان موافقت دارد اقدامی نکند که ایران را از حقابه که درین معاهده تثبیت و محدود شده است بعضاً و یا کلاً محروم سازند و افغانستان با حفظ تمام حقوقی بر باقی آب دریای هلمند هر طوری که خواسته باشند آن را به مصرف برسانند ایران هیچ گونه ادعای بر آب هلمند بیشتر از مقداری که طبق معاهده تثبیت شده است ندارد حتی اگر مقادیر آب بیشتر از دلتا سفلا هلمند میسر هم باشد و مورد استفاده ایران قرار گیرد اولین انکشاف زیربنائی در منطقه از طرف افغانستان ، حفز کانال نهر سراج بود که در سال ۱۹۰۵ به کمک دولت جاپان برای انکشاف زراعت از آب هلمند صورت گرفت ، بند ذخیره کجکی بالای دریای هلمند به ارتفاع (۹۰) متر و حجم ذخیره ئی (۱،۷) میلیارد متر مکعب در سال ۱۹۵۲ و بند ارغنداب بالای دریای ارغنداب در ولایت قندهار که بزرگترین معاون دریای هلمند است به ارتفاع ۵۰ متر و حجم ذخیره ئی ۴۷۸ میلیون متر مکعب در سال ۱۹۵۳ به کمک امریکا ساخته شد

همزمان با شروع ساختمان های آبی افغانستان جانب ایران نیز به آغاز توسعه زیر بنا آبی سیستان اقدام کردند اجزای توسعه زیربنائی آبی ایران شامل اعمار بند کهک که مسیر سیلاب ها را از شاخه اصلی رود هلمند به کانال آبیاری قلعه آس تغییر داد و باعث تشکیل جهیل اشکین در اطراف قلعه کنگ گردید که در سالهای سیلابی گوره های (سد های خاکی) اطراف ولسوالی کنگ به اثر بلند رفتن سطح آب غلتیده و اراضی و قریه جات ولسوالی کنگ زیر آب می شد، چهاردانه بند مخزنی چاه نیمه، ۲۶ عدد بند کوچک و حقر نهر گلامیر اول ، نهر گمیر دوم ، نهر نیاتیکه ، نهر شیردل و نهر جریکه بود.

ایران همیشه ادعا دارد که آب دریای هلمند نظریه معاهده سال ۱۹۷۳ کمتر به سمت ایران می رسد افغانستان ادعا دارد که ایران همیشه آب اضافه از متن قرارداد سال ۱۹۷۳ گرفته اند طبق راپور وزارت انرژی و آب افغانستان ، ایران به طور متوسط بین سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۷ در حدود یک میلیارد متر مکعب آب را به صورت خلاف از معاهده ایران از دریای هلمند گرفته است این در سالهای خشک سالی بوده از طرف دیگر در دهه اخیر که افغانستان درگیر جنگهای داخلی بوده ایران از این بی سرنوشتی افغان ها استفاده کرده ذخایر بزرگ چاه های بیمه را

درجوار هامون ها اعمار نموده که باعث خشکیدن هامونها گردیده به طور نمونه ظرفیت ذخیره آبی ۴ عدد چاهای نیمه ایران را ۱۴۸۰ میلیون مترمکعب تخمین شده تقریباً برابر به یک و نیم چند حقا به ایران در یک سال است.

هامون های هلمند

هامون های هلمند در سرحد میان افغانستان و ایران واقع شده است از چهار تالاب کم عمق تشکیل شده که عبارت اند از هامون صابری که عمیقترین شان است در قسمت شمال هامون پوزک به طرف شمال شرق هامون شاپور ویا اشکین و در قسمت جنوب تالاب مرکزی که بنام هامون هلمند یاد می شود در زمان آب خیزی این هامون ها باهم متصل گشته و به صورت یک پارچه درمی آیند و وسیع ترین دریا چه آب شیرین در افغانستان و و ایران را زیر نام تالاب های می سازند گود زرین که کاملاً در خاک افغانستان موقت دارد نیز بخشی از همین آب هاست که در زمان آب خیزی از طریق رود شيله وارد گودزرین می گردد وسعت این هامون ها در زمان آب خیزی تقریباً به ۳۲۰۰ کیلو مترمربع می رسد .

تالاب های هلمند چراگاه و مهمترین منبع مواد غذایی برای حیوانات اهلی منطقه بوده و همچنان جهت ماهیگیری از آن استفاده به عمل می آید اما مهمتر از همه کاشانه و مهد پرورش و بود باش انواع و اقسام طیور و پرندگان مهاجر در منطقه بود و در حدود ۱۴۰ نوع پرنده سالانه در آنجا می آمدند که بعضاً در فصل زمستان در آنجا زندگی می کردند ، اما بعد از سال ۱۹۹۸ بدین طرف نسبت خشک سالی متواتر از یک سو و از سوی دیگر پمپ کردن آبهای سطحی و زیر زمینی هامون ها از طرف دولت ایران، به ذخایر مصنوعی چاه های نیمه ویا (شهنامه) که ظرفیت آنها در ابتداء در حدود ۷۰۰ میلیون مترمکعب بود و فعلاً به بیش از ۱۵۰۰ میلیون مترمکعب رسیده هامون ها را خشک کرده که در نتیجه چراگاه های طبیعی اهالی که منبع مهم اقتصادی برای مردم محل بود از بین رفته این هامون ها از نقطه نظر ایکولوژی اهمیت خاص دارد وجود و تربیه ماهی در این تالاب های طبیعی به گونای گزارش داده شده که از جمله ۱۵ نوع آن بومی و ۱۰ نوع آن توسط ایران وارد تالاب شده تخمین می شود که در سال سیر آبی در حدود ۳۴۶۸۰ تن ماهی در سال به دست می آید همچنان تقریباً ۱۸۲ نوع مختلف و ۲۳ نوع حیوانات پستاندار و تقریباً ۳۷ نوع خزندگان مختلف انواع و اقسام گیاه ها و اشجار سالانه درین تالابها وجود دارد گرچه در سال ۲۰۰۳ و سالهای بعدی بارندگی هم زیاد بود و سالهای پر آبی هم داشتیم اما باز هم هامون ها احیاء نگردید زیرا آب به ذخایر چاههای نیمه انتقال می گردید و توسط آن به علاوه آن که اراضی به مراتب بیشتری که سهمیه ایران به آن طبق معاهده بود تحت زراعت قرار داده یک مقدار اضافی آب به زاهدان که در حدود ۲۰۰ کیلو متر دورتر از زابل قرار دارد به ارتفاع ۱۸۰۰ متر پمپ می گردید حتی گفته می شود که قسمت آن توسط پانئیب لاین از تحت خلیج فارس به شیخ نشین های خلیج صادر می گردید.

افغانستان اصرار دارد که معاهده نه صراحتاً ولی در عمل نیاز آبی طبیعت را هم در نظر گرفته و ایران باید منابع آبی خود را طوری مدیریت می کرد که نه سیستان خشک میشد و نه هامون ها.

تا جایی که راپورها و اسناد رسمی دست داشته شعبات مسؤول دولت افغانستان نشان می دهد دولت های افغانستان در هر دوره راجع به تطبیق معاهده تقسیم آب هلمند بین ایران و افغانستان سخت پا بند و فادار بوده است . در بین سالهای ۱۳۶۰-۱۳۵۰ که مرحوم داکتر ناصر عمر به حیث رئیس عمومی وادی هلمند و ارغنداب بودند اینجانب در رأس یک شعبه که مسؤولیت کنترل بند کجکی و بند ارغنداب که بزرگترین معاون دریای هلمند است با ریکارت اندازه گیری گیج جریان آب دریای هلمند در (دهراود) را داشت ایفای وظیفه می کردم.

خوب به یاد دارم که اکثراً مسؤولین دولت ایران به طور حق و نا حق به وزارت خارجه افغانستان مراجعه می نمودند و از کمی آب شکایت می کردند. آن مقام به ریاست عمومی هلمند راجع و بالاخره ایجاب مورد استنطاق قرار می گرفتم به جرأت کامل گفته می توانم که بالا تراز ۷۰ درصد ادعای شان بجا نبود.

بر همه معلوم است که با قدرت رسیدن مجاهدین در افغانستان در سال ۱۹۹۲ متأسفانه هیچ فعالیتی در انکشاف زیربنای منابع آبی در افغانستان صورت نگرفت و همه فعالیت های زراعتی و مالداری از هم پاشیده بود فعالیت های بند کجکی با توربین دستگاه برق با وال های تونل آبیاری صدمه دیده بود. سربند کانال نهریغرا، نهر شمالان، نهر درویشان و نهر سراج به شمول بند ارغنداب و کانال ظاهر شاهی قندهار صدمه دیده و اکثراً از کنترل و مدیریت آب ناتوان شده بودند تمام آبهای دریا های هلمند، ارغنداب، دریای ادرسکن، فرا رود، خاسپاس و خاشرودسالیهای متمادی که افغانستان درگیر جنگهای خانمان سوز بود تمام آبهای متذکره به طرف مملکت دوست و همسایه ما جریان داشت. موضوع دیگر این است معاهده سال ۱۹۷۳ بین ایران و افغانستان تنها درباره آب هلمند است اما درباره آب دریا های دیگر مانند دریای ادرسکن که به نام دریای شنیندند نیز یاد می شود که جریان سالانه آب آن در حدود ۲۱۰ میلیون مترمکعب تخمین می شود از قسمت ولسوالی اناردره ولایت فراه به هامون صابری می ریزد، دریای فراه رود که حجم اوسط سالانه در حدود ۱۲۵۰ میلیون مترمکعب تخمین می گردد در ولسوالی بالابولوک با رود زرمردان یکجا شده در هامون صابری منتهی می گردد.

رود خاسپاس از کوه های سیاه بند ولسوالی گلستان شروع در جنوب غربی سلطان بگوا با چند رود بارموسی یکجا به هامون پوزک می ریزد جریان اوسط سالاً ۴۰ میلیون مترمکعب تخمین نموده اند دریای خاشرود که حجم اوسط جریان سالانه ۱۷۰ میلیون مترمکعب تخمین گردیده از کوه سنگ در ولسوالی پرچمن ولایت فراه شروع و بالاخره به هامون پوزک می ریزد.

مجموع آبی که سالانه از این دریاچه هابه هامون ها می ریزد ۱۶۷۰ میلیون مترمکعب تخمین گردیده تماماً توسط دولت ایران در نیمه چاه ها ذخیره می گردد و سبب خشکیدن هامون ها می گردد.

اسناد و شواهد نشاندهنده حقایق ذیل است

محترم رئیس جمهوری اسبق ایران آقای حسن روحانی در کنفرانس بین المللی مقابله با باد گرد و غبار که روز دوشنبه ۲ جولای سال ۲۰۱۷ میلادی در تهران برگزار شده بود فرمودند "نمی توانیم در برابر آنچه محیط زیست ما را تخریب می کند بی تفاوت باشیم از جمله احداث سد سازی در افغانستان و ترکیه، احداث سد های متعدد در افغانستان و بند های کجکی، بند کمال خان و سد سلما و دیگر بند ها در شمال و جنوب افغانستان تاثیر گذار است"

سر لشکر یحیی صفوی مشاور نظامی رهبر جمهوری اسلامی ایران در روز سه شنبه ۲۷ فبروری ۲۰۱۸ در کنفرانس "دیپلماسی آب و فرصت های هیدروپولیتیک غرب آسیا" که در تهران برگزار شده بود گفتند: "افغانستان در آینده شاید سرمنشا مناقشات آبی با ایران باشد"

محمد جواد ظریف وزیر خارجه سابقه ایران به شبکه سوم تلویزیون دولتی ایران (فعلاً خورشید) به روز یکشنبه ۲۶ اگست ۲۰۱۸ میلادی گفت "کشورش از اهرم های مختلف برای حل اختلافات بر سر حقایق رود هیرمند با افغانستان استفاده خواهد کرد شاید هفته ای نباشد مه در مورد مسأله آب هیرمند صحبت نکنیم ولی برای رسیدن به توافق جامع وقت بیشتر نیاز است" او در پاسخ به سوال رضا رشیدپور مجری تلویزیون که در قضیه آب هیرمند از پس افغانستان بر نمی آئیم؟ آقای ظریف گفت: چرا برمی آئیم ما می توانیم از اهرم های مراوت مرزی، مهاجران افغان، موضوع مواد

مخدره و تجارت افغانستان استفاده کنی" جواد ظریف همچنین افزود که با وجودی که در مورد حقایق ایران از رودخانه هیرمند در سال ۱۹۷۳ معاهده ای میان دو کشور امضاء رسید اما جریان آب این رودخانه به ایران به صورت منظم صورت نمی گیرد

محترم گل محمد خلمی وزیر انرژی و آب افغانستان در واکنش به این اظهارات جواد ظریف اعلام کرد که تقسیم آب هلمند بین ایران و افغانستان به اساس معاهده ۱۹۷۳ موضوع حل شده است ایران از حقی که برایش تعیین شده نه تنها کمتر بلکه بیشتر نیز گرفته است

مآخذ و مراجع:

(۱) انکشاف منابع آبهای افغانستان و چالشهای آن " تالیف انجنیر محمد قسیم نعیمی"

(۲) مسأله آب و روابط افغانستان و ایران " مقاله داکتور فاروق اعظم"

(۳) یاد داشتهای شخصی